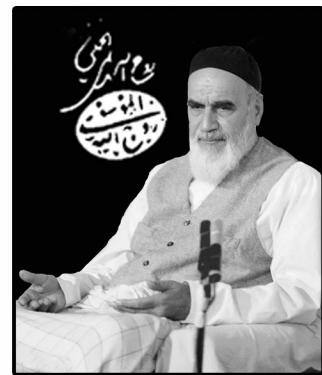


احترام به قوانین حکومت

خانم مرضیه حیدرچی دباغ نقل می‌کنند" یکی از خصوصیات بارز امام این بود که حتی در مملکت کفر هم ، حقوق و قوانین اجتماعی آن را رعایت می‌کردند. از جمله وقتی در پاریس برادران پولی جمع کرده و گوسفندی خریدند و آن را در پشت حیاطی که امام برای نماز به آنجا می‌آمدند ذبح کردند و به مناسبت شب عاشورا مقداری از آن خوراک را تهیه کردند و مقداری از آن را هم به منزل امام فرستادند. چون در فرانسه قانونی وجود دارد که طبق آن ذبح هر حیوانی در خارج از کشتارگاه به خاطر رعایت مسائل یهوداشتی ممنوع است تا امام از چنین قانونی اطلاع یافتد، فرمودند: چون تخلف از قانون حکومت اینجا شده است، من از آگوشت نمی‌خورم.

(برداشت‌هایی از سیره امام خمینی رحمه‌الله علیه - جلد ۴ صفحه ۲۹)



فرازهایی از توبه نامه شهید ۱۳ ساله علیرضا محمودی (۲) (منبع: همشهری آنلاین)



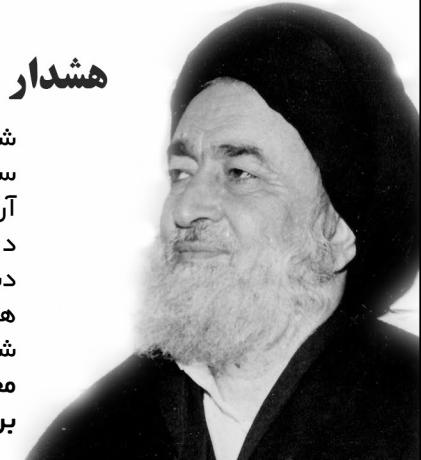
بار خدایا از کارهایی که کرده ام به تو پناه می‌برم از جمله: از این که عفت زبانم را به لغات بیهوده آلودم... از این که منتظر بودم تا دیگران به من سلام کنند... از این که شب یهر نماز شب بیدار نشدم... از این که لحظه‌ای به ابدی بودن دنیا و تجملاتش فکر کردم... در مقابل اشخاص متواضع، متواضع تر نبودم... از این که شکمم سیر بود و یاد گرسنگان نبودم... از این که ایمانم به بنده ات بیشتر از ایمانم به تو بود... از این که منتظر تعریف و تمجید دیگران بودم، غافل از این که تو بهتر از دیگران می‌نویسی...

در محضر بهجت (ره)

مگر معراج نمی‌خواهید؟ مگر نمی‌خواهید بالا بروید؟ پس نماز کامل بخوانید. محک، نماز است سر نماز اول وقت حاضر شو، شاید آخرین دیدارت با خدا باشد در زمین ...

هشدار تکان دهنده (نقل قول از فرزند شهید بزرگوار)

شهید آیت الله مدنی در نطقی که در جمع خبرگان ملت داشتند و آن هم در سال های اول انقلاب (حدود سال ۵۸ یا ۵۹) هشدار تکان دهنده ای به شخصیت های مطرح و انقلابیون آن زمان دادند که امروز عمق آن را بیشتر درک می‌کنیم. شهید مدنی با اشاره به ماجراهای «یوسف و زلیخا» در قرآن حکیم به آن قسمت داستان اشاره کرد که وقتی زلیخا از عیب گیری زنان مصر با خبر شد آنان را به ضیافتی دعوت کرد و به دست آنان کارد و ترنجی داد و در میان مهمانی به یوسف دستور داد که وارد ضیافت شود، آمدن یوسف همان و بریده شدن دست زنانی که ملامت گر زلیخا بودند همان. شهید آیت الله مدنی با گریه درد ناک در پشت تربیيون ادامه داد: « آقایان! نکند در محشر و قیامت محمد رضا (پهلوی) جلوی ما را بگیرد و بگوید دیدید شما هم وقتی دستتان ترنج دادند دستتان را بریدید و مثل من کاخ نشین و طاغوتی شدید! »



کسب گرامات بر اثر ترک گناه (كتاب کیمیای محبت- محمدی ری شهری)

جناب شیخ در دیداری که با حضرت آیت الله سید محمد هادی میلانی داشته تحول معنوی خود را چنین بازگو نموده است که:

« در ایام جوانی (حدود ۲۳ سالگی) دختری رعناء و زیبا از بستگان، دلباخته من شد و سرانجام در خانه ای خلوت مرا به دام انداخت، با خود گفت: « رجبعلى! خدا میتواند تو را خیلی امتحان کند، بیا یک بار تو خدا را امتحان کن! و از این حرام آماده و لذت بخش به خاطر خدا صرف نظر کن. سپس به خداوند عرضه داشتم: « خدایا! من این گناه را برای تو ترک می‌کنم، تو هم مرا برای خودت تربیت کن. » آنگاه دلiranه، همچون یوسف (ع) در برابر گناه مقاومت می‌کند و از آلوهه شدن دامن به گناه اجتناب می‌ورزد و به سرعت از دام خطر میگریزد. این کف نفس و پرهیز از گناه، موجب بصیرت و بیانی او می‌گردد. دیده بزرخی او باز می‌شود و آن چه را که دیگران نمی‌دیدند و نمی‌شنیدند، می‌بیند و می‌شنوند. به طوری که چون از خانه خود بیرون می‌آید، بعضی از افراد را به صورت واقعی خود می‌بینند و برخی اسرار برای او کشف می‌شود.